



ISSN:2588-3291



دوفصل نامه علمی-پژوهشی عصر آدینه
ویژه هنر موعود
سال پانزدهم- شماره سی و ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در پرتو روایات تفسیری با تکیه بر استعاره مفهومی «نور»*

محسن خوش‌فر^۱

میناسادات حسینی^۲

چکیده

از امور مؤثر در زندگی و سرنوشت انسان، «معرفت امام» به ویژه امام هر زمان است. از همین رو در ذیل بسیاری از آیات، امامان معصوم علیهم‌السلام، به شیوه‌های مختلفی ویژگی‌ها و جایگاه خود را تبیین کرده‌اند. یکی از این شیوه‌ها بیان استعاره‌ی روایات تفسیری، در مورد ائمه از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. در قلمرو معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی نور و توابع آن (شمس، نهار، قمر، نجم، برج، کوکب دری، شهاب ثاقب) برای حضرت، با انتقال فضاهای ملموس به فضاهای نامأنوس، دریچه‌های جدیدی از معرفت به امام عصر علیه‌السلام را در بینش انسان می‌گشاید. پژوهش حاضر، با همین رویکرد، پس از بررسی بیش از ۳۵۰ آیه و روایات تفسیری ذیل آنها و استخراج و دسته‌بندی استعاره‌های مفهومی، با روش توصیفی-تحلیلی، دریچه‌های مختلفی از وصف هدایتگری حضرت را که در استعاره‌های زیادی کانون توجه بوده است، باز کرده است تا ابعاد آن را روشن و مفهوم‌سازی کند، ابعادی مانند: الهی و ذاتی و دائمی بودن، عدم توان برانکار حضرت، احاطه داشتن بر همه اشیاء، امتداد سبب اتصال بین خدا و خلق، منتهی شدن همه کمالات به حضرت؛ تکوینی و تشریحی، فراگیری و نهایت هدایتگری، هموار کردن مسیری سریع و سهل برای طالبان هدایت، پایان دادن تاریکی‌ها و زدودن ظلمات و اضطراب‌ها و پراکندگی‌ها، حفظ و بقاء دین، ایجاد حیات، رشد، امید، امنیت، وحدت و... این تصویرسازی از هدایت بخشی حضرت مهدی، راه و رسم زندگی را برای مشتاقان نور هدایتش بازمی‌کند تا با پیروی از

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

۱. استادیار گروه حدیث جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران (mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir).

۲. طلبه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء علیها‌السلام اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

(ms.hoseini89@yahoo.com)

آفتاب عالمتاب وجودش، سعادت دنیا و آخرت را دریابند.

واژگان کلیدی

معناشناسی شناختی، هدایت و هدایتگری، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، روایات تفسیری، استعاره مفهومی، نور، شمس و قمر، نجم، کوکب دری، شهاب ثاقب.

مقدمه

در دین اسلام شناخت، برای حرکت انسان و ارزشمندی آن، به ویژه در موضوعات اساسی از جمله امامت و معرفت به امام امری ضروری است. برای رسیدن به این معرفت، توجه به آیات و روایات نقش بسزایی دارد. قرآن، این کتاب هدایت برای همه انسان‌ها، در همه اعصار، بیانگر اصول و کلیات امامت است که با روایات تفسیری تفصیلی و جزئیات آن در آیات مستقیم و غیرمستقیم تبیین شده است. بسیاری از مطالب عالی قرآن در قالب‌ها و شیوه‌های مختلفی در خود آیات و یا روایات تفسیری نمودارگشته است که دقت در آنها، ابوابی بی نظیر از معرفت امام را برای انسان می‌گشاید. با تحلیل جامع و درست متون دینی، مفهوم‌سازی دقیقی، برای تصحیح بینش و شناخت نسبت به امام و امامت تصویرسازی می‌شود. از جمله این روش‌ها، تصویراستعاری است که کلمات الهی و اولیاء او، سرشار از آن است تا جایگاه امام را بهتر و ملموس‌تر و جذاب‌تر منتقل کند و با نوعی روشننگری مفهومی، زمینه‌ای مناسب را در فهم شهودی مقولات انتزاعی مانند «مقام امام» فراهم آورد و آن را برای مخاطب باورپذیرترند و نقش حضرات و چگونگی پیوند با آنها را به صورت عینی و عمیق مفهوم‌سازی کند.

یکی از ویژگی‌های بارز و مهم ائمه عجل الله تعالی فرجه الشريف در آیات و روایات تفسیری، «هدایت بخشی» آنان است که دلیلی برای روشن کردن سایر ابعاد وجودی اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ از همین رو روایات تفسیری «هادی بودن» ائمه به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را در قالب‌های مختلف استعاره مفهومی، تبیین و تصویرسازی کرده‌اند. یکی از زیباترین و مهم‌ترین آنها، استعاره «نور» و زیرمجموعه آن است که بدان پرداخته می‌شود.

پیشینه

در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، القاب، ویژگی‌های یاران و ظهور و حکومت ایشان،

مقالات و تحقیقات بسیاری نوشته شده است:

تعدادی از آثار تحقیقی در مورد ویژگی خاص هادی بودن اهل بیت علیهم السلام است، مانند: مقالات «امامان پرچمداران هدایت» و «امامان نور و صراط مستقیم»؛ «امامت؛ هدایت، اصل پایدار الهی»؛ «در پرتو قرآن: شجره مبارکه زیتونه تجلی‌گاه نور هدایت».

تحقیقاتی نیز با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام به جلوه‌های هدایتی هر یک از معصومان در عصر خودشان اعم از هدایت علمی، رفتاری و... پرداخته اند، مانند: مقاله «جلوه‌های هدایت در سیره و سخن امام حسن عسکری علیه السلام» و...

مقالاتی هم ویژگی هدایت بخش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را به طور خاص بررسی کرده‌اند، مانند: «هدایت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف»؛ «هدایتگری در قیام عاشورا و امام مهدی علیه السلام»؛ «نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده» که بر مبنای نام و صفات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، انتظار و هدایت به ساختن آینده‌ای مقرر، نوشته شده و بر استعاره‌هایی مانند چراغ هدایت تکیه شده است.

با وجود روایات فراوان، در زمینه نور بودن اهل بیت علیهم السلام از جمله در «باب ان الائمة نورالله» اصول کافی، در مورد ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از جمله وصف هدایتگری ایشان، با رویکرد استعاره مفهومی «نور» در روایات تفسیری تحقیقی انجام نشده است؛ گرچه در مورد آیات و ویژگی‌های خاصی از ائمه علیهم السلام با این رویکرد آثاری مانند مقاله «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» وجود دارد. از همین رو پژوهش حاضر بر آن است، ابعاد ویژگی «هدایتگری» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را در استعاره اصلی نور و توابع آن طبق روایات تفسیری، بر پایه نظریه استعاره مفهومی شناختی لیکاف و جانسون به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند؛ چراکه اهمیت بررسی این مسئله پوشیده نیست.

ضرورت و اهداف

«امامت» از اصول مهم و ضروری اعتقادی دین اسلام است و در روایات مردن آدمی در حال عدم معرفت به امام، مرگ جاهلی شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۹). بر این اساس هرچه معرفت به امام زمان علیه السلام، عمیق تر و ملموس تر شود، حیات و مرگ انسان، الهی و عالمانه و با اطاعت بیشتری خواهد بود و انسان از تجلیات هدایتی حضرت استفاده بهتری خواهد کرد.

با توجه به این که یکی از مشهورترین القاب حضرت، «مهدی» است، فهم عمیق ویژگی «هدایت» در ایشان، به خصوص برای امید به آینده‌ای روشن، ضرورتی واضح است.

یکی از راه‌های دست‌یابی به معرفت عمیق‌تر در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ویژه وصف «هدایتگری» حضرت، کشف استعاره‌های مفهومی مختلف و ارتباط آنها با یکدیگر در این زمینه است و چه بسا غفلت و یا درک صحیح نداشتن مردم از این وصف ذاتی اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف و به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که امام غایبند، دلیلی بر روشنگری ائمه در روایات تفسیری به شیوه استعاری در وصف هدایت‌کنندگی‌شان، بوده است تا با این کار نیز نقش هدایت‌بخشی خود را، در این زمینه مهم نیز ایفا کنند و با دقت در جنبه‌های دلالی متن روایات استعاری، انسان‌ها به این جایگاه، معرفت یابند و جان خود را در معرض تابش نور هدایت آنان قرار دهند.

روش و مراحل تحقیق

این پژوهش توصیفی-تحلیلی، باروش کتابخانه‌ای، بر مبنای نظریه استعاره مفهومی در معناشناسی شناختی مراحل زیر را پیموده است:

الف) استخراج بیش از ۳۵ آیه در مورد مهدویت براساس روایات ذیل آنها، زیرا تنزیل این آیات صریحاً در مورد مهدویت نیست.

ب) گزینش روایات تفسیری و تأویلی مرتبط با استعاره مفهومی نور در وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: گرچه همه اهل بیت نور واحدند و روایات بسیاری، ویژگی‌هایی از ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف را با بیان استعاری، بیان کرده‌اند، که شامل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم می‌شود، اما فارغ از بیان آنها، در این پژوهش، روایات مربوط به موضوع، براساس ملاک‌های زیر گزینش شده است:

- روایاتی که به صورت صریح در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

- روایاتی که در مورد اولاد حضرت علی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف، سخن گفته است، زیرا

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم یکی از آنها هستند.

- روایاتی که در مورد همه اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر

شده است.

ج) بررسی و تحلیل و تبیین استعاره مفهومی در هر مورد و تشخیص حوزه مبدأ و مقصد و کانون استعاره، براساس تجلیات مختلف هدایتگری حضرت با تکیه بر رابطه مبدأ حسی با مقصد انتزاعی و نیز یافتن مؤیدات و قرائن روایی بر کانون‌های استعاره‌ها.

مفاهیم

سه کلید واژه «هدایت»، «روایت تفسیری» و «استعاره مفهومی» تبیین می‌شود:

۱. هدایت و مهدی

«هدایت» از ریشه «هدی» در لغت به معنای «الرَّشَادُ، الدَّلَالَةُ وَضِدُ الضَّلَالِ» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۲). بعضی این معنا را مقید به لطف و خیرخواهی کرده‌اند (ر.ک: قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۱۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۳۵).

بیشتر اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به نوعی با وصف هدایتگری ایشان، پیوند دارد، اما به طور خاص وصف «هادی، مهدی» نمایانگر این ویژگی است که آدمی را به آنچه مطلوب انسان بودن است با لطف و خیرخواهی، راهنمایی می‌کند و رشد می‌دهد. هر چند همه امامان هادی و مهدی هستند، اما این وصف از جهت نوع هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در زمان غیبت و نیز هدایت عمومی و جهانی در زمان ظهور، به طور خاص برایشان، اطلاق شده است.

لقب «مهدی»، اسم مفعول به معنای «هدایت یافته» است؛ روایت «انما سُمي المهدی لانه يُهدى الی امر خفی» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷). نیز مؤید این معناست. البته گاهی اسم مفعول، برای مبالغه، به معنای اسم فاعل استعمال می‌شود. لقب «مهدی» برای حضرت، برای مبالغه در هدایت کردن، به معنای «هادی» نیز هست؛ مؤید این معنا نیز روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَثِرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ، وَإِنَّمَا سُمِيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ...» (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۳). قسمت اول روایت (وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ) نشانگر آن است که مهدی به معنای اسم فاعل است. گفتنی است، کسی که از هر جهت هدایت شده، «مهدی» به هر دو معنای اسم فاعل و اسم مفعول، در مورد حضرت آمده است، چراکه ایشان از هر لحاظ هدایت یافته و نیز هدایت کننده کامل از جانب پروردگار

هستند.

۲. روایات تفسیری

از مهم‌ترین منابع فهم قرآن پس از آیات، «روایات تفسیری» صادر شده از پیامبر ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام است. خداوند وظیفه تبیین قرآن را بر عهده رسول خود نهاده است تا آنچه را تدریجاً برای مردم نازل می‌شود برای ایشان بیان کند (نحل: ۴۴) زیرا معارف الهی بدون واسطه به مردم نمی‌رسد و باید کسی از میان ایشان به این منظور نصب گردد و این همان غرض از رسالت یعنی تحمل وحی و ابلاغ و تعلیم و بیان آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ۲۶۰).

شناخت اقسام روایات برای حفظ از لغزش در فهم و تفسیر ضروری است که در جای خود قابل توضیح است. روایات تفسیری استعاری که در مورد وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و در این پژوهش انتخاب شده، بیشتر از نوع روایات بطنی و یا تمثیلی و... است.

۳. استعاره مفهومی^۱

- تعریف: استعاره مفهومی سرتاسر زندگی روزمره (از عرصه زبان تا اندیشه و عمل) را، دربر گرفته است و فقط مختص زبان نیست (Lakoff & Jahnson, 1980: 3). استعاره‌ها از یک واژه یا عبارت ساخته نمی‌شوند، بلکه از شباهت هستی‌شناختی - که میان عناصر دو قلمرو وجود دارد - و معرفت‌شناختی - که میان روابط عناصر یک قلمرو با روابط عناصر قلمرو دیگر است - بین دو حوزه مبدأ (حسی و عینی) و مقصد (انتزاعی) پیدامی‌شوند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳ش: ۳۴).

انواع استعاره مفهومی: گونه‌های استعاره مفهومی، بر اساس تقسیم سه‌گانه بنیادی لیکاف و جانسن، عبارت است از:

۱. استعاره جهت‌ی: ^۲ مفاهیم در این استعاره مفهومی بیشتر با جهت‌گیری فضایی مانند بالا یا پایین، جلو یا پشت، راست یا چپ، مرکزی یا حاشیه‌ای، درون یا بیرون و... مرتبط هستند (Lakoff & Jahnson, 1980: 14-18).

1. Cognitive semantics
2. metaphor Orientational

۲. استعاره ساختاری: ^۱ در استعاره ساختاری، از یک امر مشخص و منظم برای ساختن چارچوب مفهوم دیگر که نامشخص است با توجه به فرهنگ حوزه مقصد، استفاده می‌شود؛ مانند درک مفهوم زمان، به وسیله طلاقه ارزشمندی آن ملموس است و استعاره مفهومی «وقت طلاست» به وجود می‌آورد و بازتاب آن در کلام فرهنگی که طلا را ارزشمند می‌داند، به شکل‌های مختلفی چون «وقت را حرام نکن» و «وقت خود را به بهای ناچیز مفروش» وجود دارد (Lakoff & Jahnson, 1980: 7-14).

۳. استعاره هستی‌شناسی (وجودی): ^۲ در این استعاره به مفاهیم انتزاعی حوزه مقصد ماهیت وجودی داده می‌شود. هستی چیزی، در قالب وجود و یا هستی چیز دیگری درک می‌شود. به عنوان مثال احساسات مانند چیزی یا جاننداری فرض می‌شود یا یک حیوان را در قالب یک حیوان دیگر یا یک چیزی را در قالب چیز دیگری یا انسانی در قالب انسانی دیگر درک شود (Lakoff & Jahnson, 1980: 21-25). استعاره‌های وجودی به اقسام زیر تقسیم می‌شوند:

- ظرفی: ^۳ ذهن پدیده‌هایی را که فاقد حجم است، طوری فرض می‌کند که گویی دارای درون و بیرون است، مانند عبارت «او در خوشی است» که خوشی یا ناراحتی؛ ظرفی دارای درون و بیرون فرض شده است (Lakoff & Jahnson, 1980: 14).

- پدیده‌ای یا مادی: ^۴ در این نوع، انسان امور انتزاعی را پدیده مادی شمرده و به آنها ارزش پدیده‌ای می‌دهد، مانند استعاره «تورم به منزله یک پدیده است» که در عبارتی مانند «تورم مرا مریض کرده است» بازتاب دارد (Lakoff & Jahnson, 1980: 26). استعاره «نور» برای «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف» از این نوع است.

- انسان بخشی (شخصیت بخشی): ^۵ در این نوع، ب رای بیان یک پدیده غیر انسانی، از صفات انسانی استفاده می‌شود، مانند: «زندگی مرا فریب داد» (Lakoff & Jahnson, 1980: 29). (Lakoff 33).

1. Systemcity Metaphor
2. Ontological Metaphor
3. Container metaphors
4. material metaphors
5. Personification

- حیوان بخشی: ^۱ در این نوع استعاره برای بیان یک پدیده‌ای که حیات ندارد، از ویژگی‌های حیوانی استفاده می‌شود.

- گیاه بخشی: ^۲ در این قسم، برای بیان یک پدیده‌ای که حیات ندارد، از صفات و ویژگی‌های گیاه و حیات نباتی استفاده می‌شود.

جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تکیه بر استعاره‌های مفهومی «نور»

خداوند حکیم در هر زمانی، امامی را برای راهنمایی مردم فرستاده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۶۷). در آیه ۷ سوره رعد ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ نیز به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۰۴). امام به عنوان هدایت‌کننده مردم زمان خود، به سوی آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، راهنمایی می‌کند. این هادیان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی و جانشینان او هستند (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۰۴). تا بر مردم، اتمام حجت شود؛ چه آن امام ظاهر باشد، چه غایب، راهنما و هادی است (ر.ک: مجلسی، بی تا: ج ۲۳، ۲۰). زیرا همه آنان مهدی و هدایت یافته واقعی هستند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۷). و آخرین آنها امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (ر.ک: خزاز، بی تا: ج ۱، ۱۶۵؛ مجلسی، بی تا: ج ۳۶، ۳۳۸-۳۴۰).

هدایت کردن و تلاش برای نجات انسان‌ها از گمراهی، یک مبنا در حرکت هر امامی است و اگر معرفت به مقام هدایتگری امام، به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل شود، آدمی دل در گرو او می‌سپارد تا رشد کند و از هر گمراهی و انحرافی در امان باشد و صد البته که درک این مبنا و مقام والا در امام مانند سایر مقامات معنوی، یکی از حوزه‌هایی که به برقراری استعاره نیاز دارد، زیرا درک آن به لحاظ غیرمادی بودنش، نیازمند برقراری نگاشت با یک حوزه حسی است، به ویژه زمانی که آن امر معنوی به قدری والا و وسیع باشد که بیان آن به سادگی میسر نباشد (ر.ک: نصرتی و رکعی، ۱۳۹۹ش: ۳۲۳). از همین رو برای این تحقق مهم، اهل بیت علیهم السلام در تبیین آیات با استعاره‌های مفهومی مختلفی مانند نور، شمس، قمر و... از دریچه‌های گوناگونی، حقیقت شأن هدایت بخشی امام به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورت ملموس تصویرسازی کرده‌اند؛ چراکه این مقام

1. Animalification

2. Plantification

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوه مهمی است که سایر اوصاف حضرت را روشن می‌سازد و توجه به شبکه‌های درهم‌تنیده گونه‌های متفاوت استعاره‌های مفهومی در این زمینه، دریچه‌های جدیدی از ساختار نظام مند این مفهوم قرآنی را بر روی آدمی می‌گشاید؛ از این رو در ادامه ضمن بیان استعاره‌های مفهوم ساز نور و... و ارتباط آنها، جلوه‌هایی از وصف هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان کانون استعاره‌ها تحلیل و تبیین می‌شود.

۱. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره اصلی «نور»

ساده‌ترین تجربه هر فردی از نور، همان نور حسی است که آن را درک می‌کند، زیرا به صورت ملموس در امور مختلف آن را دیده و فواید آن مانند روشن کردن راه و... را دریافته است. «نور» روشنائی پراکنده‌ای است که به دیدن کمک می‌کند. نور دو قسم دنیوی و اخروی است و نور دنیوی خود دو نوع معقول و محسوس است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۲۷). یکی از کاربردهای نور در قرآن همان نور حسی است (یونس: ۵). بر همین اساس، از کاربردهای دیگر واژه نور در آیات و روایات فراوان، استعاره آمدن لفظ و مفهوم عینی «نور» است مانند استعاره «نور» برای مفهوم «امام و امامت و ولایت» در آیاتی مثل ۳۵ نور، که تأویل یا تفسیر آیه است (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۸). در قرآن تقابل «نور» و «ظلمت» نقش محوری دارد و این دو مفهوم با بنیادی‌ترین استعاره‌های مفهومی قرآن ارتباط دارند. قرآن موجودات خیر را با نور و موجودات شر را با ظلمت مرتبط می‌داند. دو استعاره مفهومی «خیر، نور است» و «شرّ ظلمت است» اساس آیاتی هستند که نور و ظلمت در آنها به کار رفته است (قائمی نیا، ۱۴۰۰ش: ج ۲، ۱۸۸).

وجود اهل بیت علیهم السلام از جمله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصل هر خیری است: «إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۶۱۶). برای تبیین ابعاد مختلف این جایگاه مهم و غفلت‌زدایی مردم نسبت به آن، استعاره نور و نیز فروع آن مانند استعاره روز، شمس، قمر و... که هر کدام زوایایی از خیر بودن نور وجود حضرت را تصویرسازی می‌کند، در روایات تفسیری دیده می‌شود. کانون اصلی این استعاره‌ها هدایتگری است. برخی از جلوه‌های هدایتگری در استعاره نور از جهت هادی بودن خود حضرت و نیز اثراتی که برای هدایت شوندگان دارند، بر اساس کانون‌هایی که در این استعاره نگاشت شده، عبارت است از:

الف) الهی بودن هدایت

یکی از پرمعناترین آیات استعاری قرآن «آیه نور» (نور: ۳۵) است. در روایات فراوانی، هر قسمت از این آیه به وجود مقدس یکی از معصومان علیهم السلام تفسیر و تأویل شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام آخرین فراز این آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» به قائم آل محمد صلوات الله عليه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تفسیر کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۷۲). در آیه «اللَّهُ نور السموات و الارض مثل نوره...» (نور: ۳۵) «اللَّهُ» مرجع ضمیر «ه» در عبارات «مثل نوره» و «یهدی الله لنوره من یشاء» و اضافه «نوره» لامیه است، و این خود دلیلی است بر آن که نور و هدایتگری اهل بیت علیهم السلام و نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، نوری است که از جانب خدا افافضه می شود و آنان در هدایت کردن مستقل نیستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ۱۲۳). از روایات دیگر نیز برمی آید چنین نوری از رب گرفته شده است (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۳۲۱-۳۲۲). از همین رو خداوند هرکس را بخواهد به آخرین آنها یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هدایت می کند؛ به طور قطع بهترین راه توجه به حقیقت نورانی امام، همین مظهریت هدایت الهی است که در استعاره «نورالله» برای حضرت، مفهوم سازی شده است.

خداوند هرکسی را به سوی این نور خاص الهی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف)، هدایت نمی کند و توفیق بهره مندی از هدایت خاص حضرت را به او نمی دهد، بلکه شامل حال مؤمنان خالص که چشم قلب آنها بیناست، می شود (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ۱۲۱-۱۲۵). زیرا این درک نور معنوی، مانند هر نور حسی، دیده بینا می خواهد و آنان که چشم خود را کور کرده‌اند، راهی به سوی روشنایی ندارند.

ب) هدایت کردن ذاتی و دائمی

در زیارت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است: «السلام عليك يا نور الله الذي لا يطفى» (مجلسی، بی تا: ج ۹۹، ۹۸ و ۱۱۷). ویژگی نور هدایت حضرت آن است که خاموش نمی شود، زیرا همان طور که گذشت این نور از خداست و ذاتاً روشن و آشکار است و از همین جهت که واجد چنین کمالی است، غیر خود را نیز آشکار می کند، زیرا فاقد شیء نمی تواند معطی شیء باشد. بنابراین، استعاره نور برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، از آن روست که: خود حضرت حجتی آشکار است و به حسب کمالات، آشکارترین و ظاهرترین مخلوقات است مانند نور محسوس نسبت به بقیه مخلوقات محسوس؛ گرچه

اکنون غایب است اما در نهایت ظهور و آشکاری است و حتی از آفتاب روشن‌تر و آشکارتر است و غیر خود را نیز روشن می‌کند (موسوی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۶-۲۸۰). و به دلیل ذاتی بودن این ویژگی که لازمه امام و حجت الهی است، همیشگی هم هست و هیچ‌گاه نور هدایت ایشان خاموش نمی‌شود.

ج) هدایت کردن در امتداد هدایت سایر ائمه و تمام‌کننده آن

در ذیل آیه «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (توبه: ۳۲). امام رضا عجل الله تعالی فرجه فرموده‌اند: «می‌خواهند نور ولایت امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه را با زبان‌های خود خاموش کنند و خداوند نورش را کامل می‌کند، یعنی خداوند امامت را تکمیل می‌کند، به دلیل این آیه: حال که چنین است «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن: ۸) - نور همان امام است - (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۹۶). خداوند این نور را با ولایت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه تمام می‌کند» (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۴۳۲). از این‌گونه استعاره‌ها استفاده می‌شود، نور امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف امتداد هدایت سایر ائمه عجل الله تعالی فرجه و تکمیل و تمام‌کننده آن است.

کاربرد مفرد واژه نور در قرآن، برخلاف کاربرد جمع برای ظلمات (بقره: ۲۵۷)، از همین روست که راه هدایت، بیش از یکی نیست، در حالی که بیراهه‌های ضلالت فراوان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ۱۱۲) و همه هدایت‌کنندگان به این راه، در یک مسیر و به سوی یک مقصد هدایت می‌شوند؛ همان‌طور که در روایات همه اهل بیت «نور واحد» خوانده شده‌اند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۵ش: ۱۹۵).

د) هدایت کردن تکوینی و تشریحی

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نور هدایتی است که با نورانیت ذاتی خود، غیر خود را با دو شیوه آشکار می‌کند:

- آشکار کردن عمومی: ائمه عجل الله تعالی فرجه که مظاهر نور مطلق الهی هستند، وساطت آنان در نور عام الهی مطلق است و همه موجودات (اعم از جماد، نبات، حیوان، انسان و...) از آن بهره می‌برند. در این بهره‌مندی، نه تنها اختیاری وجود ندارد، بلکه ایمان نیز شرط نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ۱۰۸). و مانند رحمت عامه است. پس وجود مخلوقات به یمن وجود حضرت است و فیوضات الهی از مجرای وجود او که خلیفه

خداست، به موجودات می‌رسد (انصاریان، بی‌تا: ج ۲، ۷). در دعای عدیله کبیر آمده است:

يُيْمِنُهُ زُرْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۲۲).

وجود زمین و آسمان و حیات و بود کون و مکان، دایرمدار وجود آن حضرت است و همه ریزه‌خوار خوان انعام اوست (نهاوندی، ۱۳۸۶ش: ج ۲، ۱۳۳). چنان‌که در روایت دیگری آمده است:

اگر لحظه‌ای امام از زمین برداشته شود، زمین متلاطم می‌شود و همراه اهلش اضطراب پیدا می‌کند، آن چنان‌که دریا با اهلش طوفانی و متلاطم می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۲).

یعنی آن مسیر منظمی که وجود زمین و آسمان بر آن آفریده شده بود، از بین می‌رود (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ش: ۴۸۳).

این از فوائد بسیار حیاتی، از ناحیه وجود مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به عالم وجود، خود نوعی نوربخشی و هدایتگری عام امام است، چنان‌که نور حسی نیز چنین برکات عامی برای موجودات دارد، اما این کجا و آن کجا!!! کسی که این جنبه هدایت تکوینی حضرت در عالم وجود را با استعاره نور برای حضرت درک کند، هر لحظه خود و وجود خود را بر سر خوان گسترده ایشان می‌بیند و به شکرانه آن سعی می‌کند مطیع حضرتش باشد.

آشکار کردن خاص (هدایت تشریحی): نوع دوم هدایتگری حضرت است بهره‌مندی از وساطت آن امام در نور خاص، به ایمان و اختیار بستگی دارد و تنها کسانی از هدایت ویژه آن ذات نورانی بهره می‌برند که خود را در معرض تابش نور معنوی حضرت قرار دهند و کسانی که چنین نکنند، خود را از نور آن آفتاب عالم‌تاب محروم کرده و به زحمت انداخته‌اند و در وادی ضلالت، سرگردان خواهند شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ج ۳، ۱۰۸-۱۰۹). زیرا تنها با نور او و اقتدا به او می‌توان راه را پیدا کرد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۹۴-۱۹۵). چنان‌که در زیارت روز جمعه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است:

السلام عليك يا نور الله الذي به يهتدي المهتدون (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ۲۱۵).

این هدایت براساس فرموده امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشريف از طریق راهنمایی به دستورات الهی

است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۲۱).

ه) نهایت هدایتگری

نور الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چنان اضائه و تابشی دارد که شدیدتر از آن در بین مخلوقات تصور نشود و این همان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذیل آیه ۳۵ نور فاعل «یضیء...» را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل کرده اند (رک: ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۱، ۲۸۰).

در ذیل آیه ۶۹ زم نیز روایت شده است: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» فرمود: «پروردگار زمین یعنی امام زمین». عرض کردم: «وقتی امام بیرون آید چه می شود؟» فرمود: «آن گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی نیازی شوند و به نور امام می نوردند» (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۲۵۳). این تعبیر در روایت حکایت از آن دارد که نور هدایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مردم، در اوج و قله است به گونه ای فراتر از آن تصور نمی شود و افراد خود را از نورهای دیگری نیاز می بینند زیرا به منشأ نور رسیده اند.

و) برطرف کردن ظلمات

امام نور الهی در ظلمات زمین است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ» (مجلسی، بی تا: ج ۹۹، ۱۱). حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین نور خدا، زمین و آسمان را روشن نموده اند، چنان که در زیارت جامعه آمده است:

و اشرفت الارض بنورکم (مجلسی، بی تا: ج ۹۹، ۱۳۲).

با توجه به تقابل ظلمت و نور در قرآن، یکی از مهم ترین خیرات وجود نورانی ائمه به ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن است که با نور وجودی خود ظلمات در زمین دنیا و زمین درونی انسان ها را از بین می برند، ظلماتی مانند جهل و گمراهی، پیروی از هوای نفس و... که حضرت با ولایت و علم خود دنیا را روشن و دل های مؤمنین را نورانی می کنند.

ز) حیات بخشیدن و رشد دادن

اصلی ترین نیاز هر موجودی، بقاء حیات اوست که یکی از مهم ترین عوامل آن نور با همه خواص آن است از گرمابخشی و... نور وجود حضرت برای موجودات نیز چنین برکاتی را دارد همان طور که در جلوه هدایت تکوینی، توضیح آن گذشت. اما مهم تر از حیات ظاهری، حیات معنوی انسان هاست که حضرت با نور هدایت تشریعی خود،

دستورات الهی را احیاء می‌کنند و به دنبال آن بر حیات معنوی انسان‌های طالب، نیز تأثیرگذار است. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: «زمین از ابتدا خالی از حجت عالم نبوده تا دستوراتی که مردم به دست فراموشی سپرده‌اند و از بین رفته، احیا بنماید؛ بعد آن حضرت این آیه را تلاوت نمود:

يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُخِّمٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۲۱؛ مجلسی، بی تا: ج ۲۳، ۵۲).

یکی از اثرات نور حسی، که حکایت از حیات بخشی نور دارد، رشد دادن موجودات است. استعاره نور برای حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز جلوه رشددهی در وصف هدایت بخشی حضرت را نشان می‌دهد، به ویژه که در معنای لغوی هدایت، رشد یکی از مهم‌ترین مقوم‌های معنایی آن است (رک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۲). در روایتی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز پس از تفسیر «نور» به امام، ویژگی رشددهندگی امام را اشاره کرده‌اند:

یهدی الله لنوره من یشاء به معنای یهدی الله لولایتنا من احب ومن لم يجعل الله له نورا فما له نور ای من لم يجعل الله له اماما فی الدنیا فما له فی الاخرة من نور ای امام یرشده ویتبعه الی الجنة (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۸).

ح) سرعت بخشیدن به هدایت

نور بالاترین سرعت را، در جهان ماده دارد و می‌تواند کره زمین را در یک چشم برهم زدن (کمتر از یک ثانیه) هفت بار دور بزند، از همین رو مسافت‌های فوق‌العاده عظیم نجومی را فقط با سرعت سیر نور می‌سنجند و مسافت نوری و سرعت نور در محاورات برای نهایت سرعت، کنایه آورده می‌شود. یکی از وجوه معرفی امام به نور در روایات گسترش و سرعت نور تابناک الهی و معارف بلندشان است که سریع هدایت می‌کند، زیرا کلام نورانی آنان (مجلسی، بی تا: ج ۹۹، ۱۳۲) و معارف ارزشمند اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آن چنان است که هر جا مطرح شود به سرعت نور جای خود را باز می‌کند که خود فرمودند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بفهمند، از ما تبعیت خواهند کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۳۰۷؛ خاتمی، ۱۳۸۶ش: ش ۳۰۸).

۱. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در استعاره‌های فرعی «نور»

در عالم حس، حقیقت نور یکی است؛ چه از خورشید ساطع گردد، چه از آتش

دیگری. همین نور واحد، اشعه‌های متفاوتی دارد، که هرکدام خواصی دارد. پدیدارشدن هر حقیقت و استعدادی، نیازمند تابش اشعه مخصوص به آن است. از آن جا که عالم ماده مرتبه نازل عالم معناست، این قاعده در عالم معنا هم جاری است. از همین رو استعاره «نور» برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، در پیوند با استعاره‌های مفهومی دیگر در مورد حضرت، که مرتبط با نورند، تصویر جامع‌تر و عینی‌تری می‌یابد؛ چراکه نور وجودی تشکیکی است و یا ابعاد متعددی دارد، استعاره‌هایی مانند نهار، شمس، قمر، نجم، شهاب ثاقب و... برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را می‌توان زیرمجموعه نور بودن امام به عنوان حقیقت واحدی قرار داد. آنچه مهم است، کشف کانون استعاره‌هاست تا جنبه‌های مختلف راهنما بودن حضرت روشن‌تر گردد.

۲. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «نهار»

از مواردی که نور در اصل وجود آن اثرگذار است، روز است. به دلیل ویژگی آشکار بودن همه چیز در روز، «روز» در محاورات به صورت استعاری برای امور انتزاعی، کاربرد دارد. بیشتر مردم، در مورد اموری که هیچ شکی در آن نیست و بسیار روشن هستند، یا سبب روشن شدن و راهنمایی برجیزی می‌شود، استعاره مفهومی روز را به کار می‌برند (مثل روز روشن است) از استعاره‌هایی که ذیل آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس: ۳) آمده است، روز بودن حضرت و قیام ایشان است (مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۷۲-۷۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۷۶ و ۷۷۸). برخی جلوه‌های هدایتگری حضرت در این استعاره عبارت است از:

الف) آشکار بودن وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

وقتی روز باشد کسی در روز بودن شک نمی‌کند؛ حضرت نیز روزند، زیرا براساس روایتی ذیل آیه ۸ تغابن در مورد وجود ایشان شکی نباید باشد که ظاهرتر از خورشید و روزند، به ویژه برای قلوب مؤمنان (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۱۹۴-۱۹۵). مگر آن‌که از شدت ظهور روز، به وجود آن و این نعمت توجه نشود.

ب) روشن کردن راه برای بینندگان طالب

روز مسیر حرکت انسان را آشکار می‌کند مگر آن‌که عیبی در چشم و دستگاه گیرندگی نور در خود انسان باشد. براساس روایات روز بودن ائمه عجل الله تعالی فرجه الشريف و به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز از آن جهت است قلوب مؤمنان را منور می‌کنند و از غیر مؤمنان در حجابند و قلوب آنها به

این سبب تاریک می شود (ر.ک: حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۶). پس با وجود آن که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند روز آشکارند یا در زمان ظهور آشکار می شوند، اما عده ای به سبب فرورفتن در ظلمات کفر و عصیان، چشم دل شان از نور حضرت در حجاب است. (ج) روشن کردن همه امور از جمله حق و باطل

روز نه تنها خود آشکار است بلکه به دلیل روشن بودنش، همه اشیاء مادی را هم آشکار می کند؛ یکی از جلوه های هدایتگری حضرت نیز همین است که ایشان را روز خوانده اند، زیرا علاوه بر آن که خود حضرت آشکارند با قیام خود امور دیگر مانند حق و باطل را هم روشن می کنند و زمین را پراز قسط و عدل می کنند (ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۶۳) و بر دولت های باطل پیروز می شوند (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۴۲۵) و همان طور که در روز می توان از بدی ها و خطرات آگاه شد و به سمت آنها نرفت، با ظهور حضرت و مشخص شدن حق از باطل، دیگر ظلمات ظلم و جور نخواهد بود و خوبی ها چون روز روشن و آشکار می شود.

(د) پایان دادن تاریکی ها

همان طور که با آمدن روز، شب می رود، در روایتی که می فرماید:

مقصود از روز قائم آل محمد است که ظلم و جور را از بین می برد و زمین را پراز قسط و عدل می کند (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۶۷۱).

تشبیه لطیفی بین روز و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از آن که در دوران غیبت حضرت، نور عدالت در جهان کم شده و دنیا به تیرگی شب شبیه شده؛ اما با ظهور خورشید عالم تاب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظلمت از بین می رود ظلمتی که براساس روایات همان ظلم و جور است (همان). و زمین به نور آن حضرت چون روز، روشن می شود و عدالت فراگیری می شود، این گونه وجود حضرت چون روز، جهان را از نور عدالت روشن می کند.

(ه) امنیت بخشیدن

یکی از اثرات روز، ایجاد حس امنیت است برخلاف شب و تاریکی که انسان اطراف خود را خوب نمی بیند و احتمال ایجاد خطر برای او وجود دارد. وقتی روز برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده شده یکی از کانون های مهم این استعاره، امنیت بخشی به افرادی است؛ چنان که در روایاتی آمده است: منور شدن به سبب نور امام، مؤمن را از حساب شدید فزع اکبر در روز قیامت (که در اثر ظلمات) است در امان می دارد (ر.ک:

حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۸۰؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۴۲۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۳۹۶). و چه امنیتی بالاتر از امنیت در قیامت از احوال و سختی‌های آن روز!

۳. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «شمس»

خورشید، عظیم‌ترین، منبع نورحسی در این عالم است، از همین رو برای فهم مقام ولایت به ویژه جایگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، در ذیل آیه اول سوره شمس «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، «شمس»، بر امیرالمؤمنین علیه السلام و «ضحی» یعنی نور و تابندگی آن در هنگام ظهر، بر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف و قیام ایشان تطبیق داده شده است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۲۴، ۷۲). نگاشت حوزه مقصد «روشن کردن راه و هدایتگری امام و قیام امام» در حوزه مبدأ «شمس و نور آن» با استعاره مفهومی مادی (پدیده‌ای)، از آن جا که نظیری در ذهن دارد، تصویر ملموسی از حضرت را برای شنونده مفهوم‌سازی می‌کند و برخی از جلوه‌های هدایت بخشی حضرت را بیشتر نمایان می‌کند:

الف) آشکار بودن حضرت و عدم توان بر انکار حضرت

در هنگام ظهور شناخت حضرت و امرایشان، مانند خورشید آشکار و واضح است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۵۳). هیچ کس نمی‌تواند وجود ایشان را منکر شود، همان طور که وجود خورشید را به دلیل وضوحش نمی‌تواند انکار کند. حتی در زمان غیبت هم، امام غایب همانند خورشید پس پرده ابر، است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۳۵). همان طور که هیچ کس نمی‌تواند منکر فوائد خورشید پشت ابر باشد، هر چند آن را نمی‌بیند، امام زمان علیه السلام نیز همین ویژگی را دارند، هر چند در انظار عمومی حضور ندارند اما حضورشان در زندگی انسان‌های متقی به وضوح هویدا است و این اولین و مهم‌ترین قدم برای هدایت یافتن است.

ب) آشکار ساختن همه چیز

خورشید که بدرخشد، نور آن، همه اجسام را قابل مشاهده می‌کند، خورشید عالم تاب وجود حضرت مهدی که در او، نوردهندگی است، با ظهورش، همه چیز آشکار شود و دلیل آن به فرموده امام صادق علیه السلام، آیه «وَأَن يَحْشُرَ النَّاسَ ضَحَى» است (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۶۷۲). این خود بازتابی از هدایتگری حضرت است؛ مانند خورشید که با بالا آمدنش، نورش همه جا را فرامی‌گیرد و همه چیز را آشکار می‌کند، معارف دین و علم نافع همه به برکت وجود اهل بیت علیهم السلام از جمله امام زمان علیه السلام، آشکار می‌شود، چنان که فرموده‌اند:

شَرِيفًا وَ غَرَبًا فَلَا تَحِدَانِ عِلْمًا صَاحِبًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۱، ۳۹۹).

ج) فراگیری و نهایت هدایتگری

در ذیل آیه اول سوره شمس «شمس»، برای امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و «ضحی» نور و تابندگی آن در هنگام ظهر برای حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ و قیام ایشان استعاره آورده شده است (ر.ک: مجلسی، بی تا: ج ۲۴، ۷۲). «ضحی» به معنی گسترش نور آفتاب در هنگامی است که خورشید از افق بالا آید و در وسط آسمان، نور آن همه جا را فراگیرد، سپس به آن موقع روز نیز «ضحی» اطلاق شده است. تکیه بر خصوص «ضحی» در سوره شمس به خاطر اهمیت آن است، زیرا موقع سلطه نور آفتاب بر زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج: ۲۷، ۳۹).

با توجه به روایات تفسیری که وجود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، در مبدأ حسی «ضحی» نگاشته شده است، این مفهوم سازی، اوج و فراگیری نور هدایت بخشی حضرت را جلوه گرمی سازد، به ویژه در زمان ظهور، زیرا طبق آیات و روایات دیگر ایشان تمام کننده نور و هدایتگری سایر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۱، ۴۳۲).

د) بهره مندی از هدایت به اندازه ظرفیت (شدت نور، مانع رؤیت)

نگاه مستقیم و خیره شدن به خورشید برای هر چشمی مقدور نیست، مگر آن که پشت ابرقرار گیرد و از شدت نور آن کاسته شود، بسیاری از افراد می توانند مشاهده اش کنند. نور الهی چنین است:

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ يَا مَنْ احْتَجَبَ بِشِعَاعِ نَوْرِهِ عَنِ نَوَاطِرِ خَلْقِهِ (مجلسی، بی تا: ج ۹۱، ۴۰۳).

نور امام هم که از نور خداست چنین است؛ نگاه به آن در توان همگان نیست و هرکسی به مقدار توان خود می تواند آن را مشاهده کند و بشناسد، زیرا همان گونه که موجود متناهی توان شناخت هستی نامتناهی را ندارد، موجود دانی نیز قدرت اکتناهی موجود عالی را ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج: ۳، ۱۱۰-۱۱۱).

ه) فایده رساندن دائمی حتی در زمان غیبت

تمامی موجودات به خصوص انسان از خورشید پشت ابر بهره مند می شوند؛ در زمان غیبت نیز مردم از وجود ولایی و راهنمایی های حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ بهره می برند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۲۳۵). در روایت، امام غایب، به آفتاب زیر ابر و فوائد او به فوائد

آفتاب پنهان در پس ابرتشبیه شده است؛ دو کانون اصلی در این تشبیه وجود دارد: الف) اصل بهره‌برداری از نور و گرما و اشعه مفید خورشید است که در روزهای ابری بر زمین می‌تابد؛ ب) کمتر بودن مقدار آن بهره، نسبت به روزهای آفتابی است. پس حضرت گرچه غایبند اما برکات وجودی شان - مانند دعا و استغفار، ولایت تکوینی و هدایت‌های عمومی و خصوصی - بر عالم وجود جریان دارد، هرچند در زمان ظهور بهره مردم از برکات وجود امام بیشتر خواهد بود (ر.ک: تجری گلستانی، ۱۳۸۱ ش: ۵).

و) آرامش بخشیدن و برطرف کردن اضطراب‌ها

همیشه تاریکی مایه اضطراب و وحشت از دزد و حیوان درنده و... است، اما نور سبب آرامش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ۳۶۵). به خصوص اگر نور از منبعی باشد که چنان وسعتی دارد که همه چیز را آشکار می‌سازد و راه را از چاه مشخص می‌کند. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف که خود شمس و یانور آن در هنگامی که به اوج می‌رسد، هستند؛ این ویژگی را دارند و باعث فرار دزدان دین و ایمان و درندگان ستمگر جوامع و مایه آرامش برای دیگران هستند و این آرامش بخشی، فضای هدایت یافتن و دینداری بهتر را فراهم می‌کند.

ز) وحدت بخشیدن و از بین بردن پراکندگی‌ها

تاریکی سبب پراکندگی و نور سبب اجتماع است، به همین دلیل اگر چراغی را در یک شب تاریک در میان بیابانی روشن شود در مدت کوتاهی انواع حشرات دور آن جمع می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۷، ۳۶۵). هرچه منبع نور پرفروغ‌تر و وسیع‌تر باشد، مانند خورشید و نور آن، این جمع کردن بیشتر خواهد بود. اگر در روایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف خورشید معرفی شده‌اند، یکی دیگر از جلوه‌های هدایتگری امام که وحدت بخشی و از بین بردن تفرقه است، مفهوم‌سازی می‌شود و همه انسان‌های مشتاق و بلکه همه موجودات بر گرد شمس پرفروغ حضرت جمع می‌شوند. خورشید عالم تاب وجود حضرت که در اوج نوردهندگی است، با ظهورش، «وأن يحشر الناس ضحی» رقم می‌خورد (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۵، ۶۷۲).

ح) هموار ساختن مسیر و زدودن ظلمات

خورشید، در روشن کردن مسیر برای حرکت سهل‌تر و سریع‌تر موجودات به ویژه انسان‌ها، به سوی مقصد، نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگر به سبب حرارتش انواع میکروب‌ها

و... را در کره زمین از بین می‌برد و اگر تابش این نور پریبرکت نبود، همه ساکنان زمین به خاطر وجود میکروب‌ها و... با مرگ دست به گریبان بودند. مؤمنین نیز در پرتو خورشید تابان وجود ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به ویژه امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام از عوامل ظلمانی هلاکت به نور وارد می‌شوند، صراط مستقیم را می‌یابند، زیرا آنان ظلمات و آلودگی‌های جهل و شرک و کفر را از آسمان روح انسان‌ها می‌زدایند و راه رسیدن به مقصد هدایت و نجات را برای آنها هموار می‌سازند.

نکته شایان توجه در استعاره شمس برای حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، براساس کاربرد کلمه «ضیاء» برای شمس (یونس: ۵). عبارت است از این که، ضیاء نوری است که ذاتی باشد مانند نور خورشید، اما نار و نور، عرضی و اکتسابی است. از همین رو می‌توان گفت، به دلیل ذاتی بودن نور حضرت، ظلمت زدایی شمس وجود امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در نهایت است، چراکه گفته‌اند ضیاء در کشف تاریکی‌ها از نور بلیغ تراست (رک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۱۳۸).

ط) حیات بخشیدن و رشد دادن

«خورشید» مهم‌ترین و سازنده‌ترین نقش را در زندگی انسان و تمام موجودات زنده زمینی دارد، زیرا علاوه بر این که منبع «نور» و «حرارت» است و این دو از عوامل اصلی زندگی انسان به شمار می‌رود، منابع دیگر حیاتی نیز از آن مایه می‌گیرند، تمام مواد غذایی، وزش بادهای، نزول باران‌ها، پرورش گیاهان، حرکت رودخانه‌ها و آبشارها، و حتی پدید آمدن منابع انرژی‌زا، همچون نفت و ذغال سنگ، هر کدام به نوعی با نور آفتاب ارتباط دارد به طوری که اگر روزی این چراغ حیات بخش خاموش گردد تاریکی و مرگ همه جا را فرا خواهد گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۷، ۳۹؛ ج ۲۴، ۵۱-۵۲).

تشبیه وجود حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به یک منبع نور، همه این مفاهیم را تداعی می‌کند. نور وجود حضرت نیز، راهنمای آدمی برای پرورش و نمو روح ایمان و اخلاق، و خلاصه مایه حیات و جنبش و حرکت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۷، ۳۶۵). همان‌طور که اگر نعمت ماه و خورشید نبود، حیات ظاهری بشر به خطر نابودی می‌رسید، اگر نعمت وجود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (شمس) و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام (شمس یا قمر) نبود، حیات معنوی انسان و راه سعادت در تاریخ بشریت وجود نداشت.

۴. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «قمر»

از دیگر استعاره‌های فرعی نور برای حضرت، استعاره «قمر: ماه» است که جنبه‌های دیگری از هادی بودن ایشان را نمایان می‌سازد:

الف) زیبا بودن و سرچشمه زیبایی‌ها

زیباترین و لطیف‌ترین موجود در جهان ماده، «نور» است که سرچشمه همه زیبایی‌ها و لطافت‌هاست، در عرف، ماه، نیز به خاطر نورانیتش به ویژه در شب چهاردهم، نماد زیبایی است؛ از همین رو در روایت ماه برای حضرت و نورانیت صورت ایشان استعاره آورده شده (ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۲۶). تا همه بدانند سرچشمه هر زیبایی از امام است و از آن جهت که انسان‌ها به سمت امور زیبا، جذب می‌شوند، همین زیبایی ظاهری و باطنی در صورت و سیرت حضرت، عاملی برای هدایت شدن مردم به سوی حضرت شود.

ب) احاطه داشتن بر همه اشیاء

در روایت ذیل آیه **﴿وَالْقَمَرَ إِذْ أَتَاهُ﴾** (شمس: ۲) است: ماه در بالا قرار دارد و نورانی است، گویا بر همه اشیاء پائین‌تر از خود، آگاهی دارد، امام هم در زمین به منزله ماه در آسمان، چنین‌اند و در جایگاه خود، از تمام چیزها مطلع است (ر.ک: صفارقمی، بی‌تا: ج ۱، ۴۶۳؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۶، ۱۳۶). علم امام لازمه هادی بودن ایشان است، زیرا هدایت‌کننده، باید از امور و حالات افرادی که می‌خواهد آنها را هدایت کند، آگاه باشد. پس یکی از وجوه تشبیه امام به ماه در روایات، از آن روست احاطه کامل بر همه چیز دارد. امام مهدی عج مانند سایر ائمه ع، به اذن الهی علم مطلق دارند و از همین رو دارای شأن هدایتگری مطلق (تکوینی و تشریحی) نیز هستند.

توجه به این‌که امام معصوم حضوری همه‌جانبه در عالم دارد و به اذن الهی به همه زوایای وجودی انسان علم دارد، سبب می‌شود از زندگی جاهلی رها شود و به اندازه درجه معرفتی که به امام پیدا کرده، به حیات طیب رهنمون گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۳۲ و ۴۴). و از هر غفلتی به درآید و رذائل اخلاقی را کنارگذارد و به فضایی چون صبر و استقامت و... در راه اطاعت‌پذیری متخلق شود، زیرا امام خود را لحظه‌لحظه در کنار خود می‌داند و همه عالم را محضراً می‌بیند (ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۳ش: ۱۶ و ۲۳).

ج) قابل رؤیت بودن امام از هر مکانی

ماه از هر مکانی قابل دیدن است و در هر مکانی دور می‌زند، امام نیز چنین است (ر.ک:

صفار قمی، بی تا: ج ۱، ۴۶۳؛ مجلسی، بی تا: ج ۲۶، ۱۳۶). وسعت هدایتگری حضرت به قدری است که از جهت علم امام و حتی وجود جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در کل زمین می گردد و احاطه دارد و در هر مکانی او را می بینند و در بین مردم زندگی می کنند اما ممکن است مردم، مانند ارتباط شان با ماه، به وجود حضرت با آن همه وضوح توجه نداشته باشند.

د) امتداد دادن هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین ایشان

در روایات، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به شمس و ائمه علیهم السلام از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قمر تشبیه شده اند. ماه به دنبال خورشید می آید و نور خود را نیز از خورشید می گیرد. پس ائمه هدی از پی رسول می آیند و دانش خود را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسب کرده اند و همان طور که شمس وجود پیامبر دین را برای مردم روشن ساخت، نور امام هم دین را روشن می سازد و بدان هدایت می کند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸، ۵۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۶۷۰). اطلاق ضیاء به خورشید و نور به ماه در آیه هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا (یونس: ۵). نیز اشاره به همین نکته دارد که نور خورشید، در مقایسه با ماه، از درونش می جوشد، ولی نور ماه از منبع دیگری (خورشید) کسب می شود (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۰۳).

نکته مهم دیگر که از تأویل روایی آیات ابتدایی سوره شمس قابل استفاده است، این است که انسان به دنبال نور و روشنایی است، زمانی که خورشید باشد، از آن بهره گیرد و هنگامی که خورشید پنهان شد، از ماه، بهره برد. بر این اساس که تأویل شمس رسول الله و تأویل قمر، امام است، می توان فهمید مردم به حال خود رهانشده اند و در هر زمانی خدا هدایت کننده ای برای آنان فرستاده و امام جانشین رسول الهی است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

پیرو خورشید باشید، وقتی غائب شد از ماه پیروی کنید... تا این که فرمود: «خورشید منم و علی علیه السلام ماه است» (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۱۴).

۵. جلوه های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره های فرعی نور: استعاره «برج»

تابش نور ائمه علیهم السلام از آسمان وجود پیامبر صلی الله علیه و آله، چنان فراگیر است که مردم هر زمانی می توانند از آن بهره برند و اینان حجتی دائمی در زمین اند. ذیل آیه ۶۱ فرقان از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند که اولی آنها علی علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است (رک: مجلسی، بی تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

کانون‌های قابل برداشت از استعارهٔ برج برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از این‌گونه روایات عبارت است از:

الف) تعداد ائمهٔ هادی و آخرین آنها

در ابتدای سورهٔ بروج، «بروج»، برج‌های آسمانی است که یا به معنی ستارگان درخشان و روشن آسمان است یا به معنی صورت‌های فلکی است، یعنی مجموعه‌ای از ستارگان که در نظر ما شباهت به یکی از موجودات زمینی دارد، و برج‌های دوازده‌گانه، دوازده صورت فلکی است که خورشید در مسیر سالانهٔ خود در هر ماه محاذی یکی از آنها قرار می‌گیرد (البته خورشید حرکت نمی‌کند بلکه زمین به دور آن می‌گردد ولی به نظرمی رسد خورشید جابه‌جایی شود و محاذی یکی از این صورت‌های فلکی می‌گردد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲۶، ۳۲۸).

در روایتی، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از معرفی اوصیای پس از خود، آنها را به تعداد ماه‌ها و نقیبان حضرت موسی علیه السلام دوازده عدد معرفی می‌کنند:

آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند، اولی آنها علی علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است (رک: مجلسی، بی تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

براین اساس تعداد ائمه علیهم السلام مانند این صور فلکی (بروج) دوازده تاست (رک: طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ۴۰۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۲۶۰). این یکی از جلوه‌های هادیان الهی است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منحصر در این ۱۲ نفری هستند که از جانب خدا تعیین شده‌اند و این معرفی، راه هرگونه سوءاستفاده از این مقام را بر دیگران می‌بندد.

ب) حفظ کردن اهل زمین از سختی و عذاب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

سوگند به آن‌که مرا به پیغمبری برانگیخته و بهترین مردمان قرارم داده، وصی من بهترین اوصیاء است، و به درستی که او حجت خدا بر بندگانش است، و خلیفهٔ او بر خلقش است و امامان (راهنمای پس از من) از فرزندان او هستند، به خاطر آنها خداوند عذاب را از اهل زمین باز می‌دارد، و به وجود ایشان آسمان را نگه می‌دارد، از

این که جز به اذن او بر زمین فرود آید، و نگه می‌دارد به سبب آنها کوه‌ها را از این که مردم را به اضطراب اندازد نگهدارد،... اینان به راستی اولیای خدا و به درستی جانشینان من هستند،... آسمان منم، و برج‌ها امامان پس از من هستند که اولی آنها علی علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش، ۴۸۳).

به یمن وجود اهل بیت علیهم السلام و در زمان کنونی به برکت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، آثاری چون برداشته شدن عذاب از اهل زمین و حفظ آسمان و نگه داشتن کوه‌ها از ایجاد اضطراب برای مردم، سیراب کردن خلق، رویاندن گیاهان، رقم می‌خورد و این موارد همان هدایت تکوینی و فوائد تکوینی وجود حضرت است، همان طور که برج‌های آسمانی چنین خاصیت ظاهری دارند، امام نیز چنین برکاتی دارد.

ج) ارتباط داشتن با سایر ائمه علیهم السلام و در امتداد یکدیگر بودن هدایتگری آنان

برج‌های آسمانی در ظاهریه، منظور صور فلکی و ارتباط آنها با هم است؛ از این رو استعاره آن برای اهل بیت علیهم السلام نیز به پیوند آنها با یکدیگر برمی‌گردد، چنان که این انوار مقدس در آسمان وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ظهور می‌یابند و هر نوری امتداد نور دیگری است و همه راهنمایی برای رساندن به یک مقصد هستند (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳).

د) حفظ کردن آسمان نبوت و بقاء دین

وجود ائمه علیهم السلام سبب بقاء آسمان و زمین است، اگر مراد از آسمان، وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد، با نور ائمه علیهم السلام که از آنها تعبیر به بروج شده، این آسمان حفظ می‌شود و دینی که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مردم رسید، تا روز قیامت حفظ می‌شود (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۳۷۱-۳۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۸۳). همان طور که برج‌های آسمانی چنین نقشی دارند. بر اساس روایات دیگر غلبه این دین بر سایر ادیان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز محقق می‌شود (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ ش: ج ۲، ۷۷۰). و افراد از هدایت واقعی و فراگیر بهره‌مند می‌شوند.

۶. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «نجم»

ذیل آیه «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل: ۱۶). روایات مختلفی تأویل آن را امام شمرده‌اند. در برخی «علامت» (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ج ۷، ۱۹۱؛

مجلسی، بی تا: ج ۲۴، ۸۲). و در بیانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، «نجم» برای امام استعاره آورده شده است. در پیوند این دو مفهومی انتزاعی و عینی کانون‌های مختلفی براساس روایات نگاشت شده است:

الف) امتداد دادن سبب اتصال بین خدا و خلق

در روایتی از امام علی علیه السلام و نیز توقیعی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آمده است: همان‌طور که وقتی ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طالع می‌شود، هر زمانی نشانه‌ای (امام) پنهان شود و از دنیا رود، نشانه و حجت دیگری آشکار می‌شود؛ پس نباید پنداشت سبب اتصال بین خدا و خلق قطع می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۷؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۱۶).

ب) نشان دادن جهت راه و مقصد

ستاره، نشانه‌ای برای تشخیص راه است، به ویژه ستاره جدی که جهت قبله را با آن می‌شناسند و مردم در دریا و خشکی، راه و جهت خود را از طریق آن پیدامی‌کنند؛ زیرا هیچ‌وقت ناپدید نمی‌شود (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۵۶). و افراد هر کجای زمین باشند آن را می‌بینند؛ وجود امام نیز چنین است و موقعیت و نور او در هر زمانی، راه را مشخص می‌کند، و هیچ‌گاه زمین خالی از امام نیست و هر کسی در هر جای کره زمین می‌تواند از راهنمایی امام بهره‌برد؛ چنان‌که در ذیل آیه ۱۶ سوره نحل، روایاتی در این پیوند معنای ظاهری نجم و باطنی آن وارد شده است (رک: عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۲۵۶). چراکه نه فقط برای شناخت راه از بیراهه، در بیابان‌ها و... نیاز به علامت است، بلکه برای شناخت حق از باطل نیز در لابه‌لای هوس‌ها و غرائز و طاغوت‌ها، به نشانه‌های روشن احتیاج است (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ج ۴، ۵۰۲). و این تجلی بارزی از هدایتگری امام است.

ج) امنیت بخشیدن برای اهل زمین

ستارگان به خاطر نورشان و یا به هر دلیل دیگری سبب امنیت برای اهل آسمان‌ها هستند. اهل بیت نیز امان اهل زمین هستند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۶، ۵۴۵؛ مجلسی، بی تا: ج ۲۴، ۶۷). و با راهنمایی‌های خود آنها را از عذاب دور می‌کنند (مجلسی، بی تا: ج ۳۶، ۳۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۰۶) یا خداوند به واسطه آنها آسمان را نگه می‌دارد تا جز به اجازه او، بر زمین فرو نیفتد؛ به واسطه آنها زمین را نگه

می‌دارد که اهلش را به لرزه درنیورد (مجلسی، بی‌تا: ج ۲۳، ۵).

۷. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «کوکب دری» در روایاتی که در مورد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است، خداوند همه ائمه علیهم السلام را به اسم نام می‌برد و آنها را نور معرفی کرده، به گونه‌ای که در بین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند ستاره‌ای بسیار نورانی و بزرگ، می‌درخشد (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰). در استعاره «کوکب دری» برای حضرت در میان نور سایر ائمه علیهم السلام، کانون‌های مختلفی نگاشت شده است که نشانگر راهنما بودن خاص ایشان است:

الف) خاص بودن شأن هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به سایر ائمه علیهم السلام همان طور که گرانبهاترین و زیباترین گوهرها را در وسط قرار می‌دهند، کوکب دری و درخشش این ستاره به طور خاص در میان بقیه، که استعاره برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، حکایت از شرافت و رفعت مقام و منزلت خاص حضرت دارد، مانند جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین سایر ائمه علیهم السلام (موسوی، ۱۴۱۴: ق ۲۸۲-۲۸۴). و این یکی از وجوه خاص بودن حضرت، شرایط ویژه و شأن هدایتی ایشان در آخرالزمان است، چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور ایشان؛ مانند گوهری نورانی که در وسط قرار دارد، جلوه خاصی نسبت به سایر هم‌نوعان خود داشته و همه ناخودآگاه به سوی آن توجه می‌کنند.

ب) کمال ظهور و راهنمایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این استعاره، کمال ظهور و انتشار نور آن حضرت را می‌رساند، مانند خورشید که به وسط آسمان می‌رسد، نورش برای تمام دیدگان در همه شهرها آشکار می‌شود و به حد اعلی می‌رسد (موسوی، ۱۴۱۴: ق ۲۸۲-۲۸۴). استعاره وسط قرار گرفتن این ستاره نورانی برای حضرت نیز نهایت ظهور ایشان را برای همه را، تصویرسازی می‌کند به گونه‌ای که همه را به نور هدایتی خود متوجه می‌کند.

ج) توجه ویژه داشتن سایر ائمه علیهم السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چیزی در وسط قرار می‌گیرد، انظار به سوی آن متوجه می‌گردد و چون پیوسته انظار ائمه علیهم السلام به سوی امام غائب بوده (به دلیل وعده الهی بر ظهور او و حجت بودن ایشان و انتقام از دشمنان و... در ادامه روایت) خداوند نور مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در وسط انوار آنها قرار داده است (موسوی، ۱۴۱۴: ق ۲۸۲-۲۸۴). حجت بودن و انتقام‌گیری

از دشمنان و... همه شعاع‌هایی از نور هدایتی حضرت در نظر و عمل است. دقت و معرفت به این امر، تصویری ملموس در وجود انسان از هدایتگری حضرت، نقش می‌بندد و آدمی را در پیروی از ایشان مصمم می‌کند؛ از همین رو در ادامه روایتی که کوکب دری برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده شده، سخن از حجت الهی و پیروی است:

ای محمد اینان حجّت‌ها [ی من] هستند و قائم از نسل و ذریه توست؛ به عزّت و جلالم سوگند! او حجّتی است که بر دوستدارانم لازم است از او پیروی کنند و اوست انتقام‌گیرنده از دشمنانم (مجلسی، بی تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰).

د) منتهی شدن امور و همه کمالات به حضرت

روایت مرکز انوار ائمه علیهم السلام را با تعبیر «کوکب دری» برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاره آورده است (ر.ک: مجلسی، بی تا: ج ۲۷، ۱۹۹-۲۰۰). زیرا کمالات و علوم همه ائمه علیهم السلام و پیامبران به آن حضرت منتهی می‌شود، از همین رو در مرکز همه انوارند، مانند دایره که همه شعاع‌ها به مرکز می‌رسد (موسوی، ۱۴۱۴ ق: ۲۸۲-۲۸۴). این وجه شبه برای استعاره نیز جنبه ویژه هدایتگری حضرت را می‌رساند زیرا انسان‌ها به کمال لایتنهای تمایل دارند.

ه) در وسط قرار داشتن هدایت حضرت نسبت به هدایت سایر ائمه علیهم السلام از جهت رجعت با توجه به رجعت که از ضروریات است، امام زمان علیه السلام به حسب زمان، در وسط امامان قرار دارد (موسوی، ۱۴۱۴ ق: ۲۸۲-۲۸۴). از همین رو، وصف فوق برای ایشان، استعاره شده است که خود نشان از شأن اصلی امامت یعنی هدایت بخشی دارد.

۸. جلوه‌های هدایتگری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استعاره‌های فرعی نور: استعاره «شهاب ثاقب»

زوایه دیگری که راهنمایی امام با استعاره نور تصویرسازی می‌شود، استعاره «شهاب ثاقب»، برای حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ذیل آیات «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ» (تکوین: ۱۵-۱۶) بیان شده است. ویژگی شهاب آن است که در شب تاریک ناگهان مانند بارقه‌ای نمایان می‌شود و می‌درخشد. استعاره آن برای حضرت، از این جهات زیر است:

الف) ناگهانی بودن ظهور و روشن کردن راه

حضرت غایبند و ظهورشان مانند شهاب ثاقب است که یک لحظه و دفعتاً، راه را برای همگان روشن می‌کند، همان طور که امّ هانی گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این

آیات «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» پرسیدم، امام فرمود:

ای ام هانی! امامی است که در سال ۲۶۰، خود را از دیده پنهان می کند، سپس مانند شهاب درخشان در شب تاریک نمایان می شود. ای ام هانی! اگر در آن زمان باشی، چشم تو روشن خواهد شد (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۳۴۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق: ۷۴۴).

ب) زدودن ظلمت از تاریکی های غیبت با ظهور حضرت

این استعاره به تاریکی ها و ظلمات زمان غیبت اشاره دارد که ظهور حضرت چون شهاب در آن تاریکی ها، درخششی نفوذکننده دارد و هرکس آن را درک کند از حیرت و گمراهی نجات یابد. در روایتی نیز امام باقر علیه السلام در توضیح آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» (تکوین: ۱۵-۱۶) فرمودند:

مقصود از این آیه مولودی است که در آخرالزمان خواهد آمد و او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این عترت طاهره است. او راست حیرت و غیبتی که مردمی به وسیله آن گمراه گردند و گروهی هدایت شوند. خوش به حال تو اگر او را درک کنی و خوشا به حال کسی که او را می بیند (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۳۳۰؛ مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۱۳۷).

ج) امید بخشیدن

از روایات بالا استفاده می شود، با ظهور حضرت در دل تاریکی های غیبت، نور امید در دل همگان، روشن می شود که به واسطه درک حضرت، خوشی هدایت را می چشند.

نتیجه گیری

نور بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از هدایتگری ایشان است و استعاره های مفهومی نهار، شمس، قمر، نجم، برج، کوکب دری، شهاب ثاقب با یکدیگر پیوندی دارند، که همه به استعاره نور بودن امام برمی گردد، پیوند آنها در نمودار شماره ۱ مشاهده می شود.



نمودار ۱: رابطه پیوند استعاره‌های مختلف نور بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک

همان‌طور که گذشت این استعاره‌ها، کانون‌های مختلفی را در کانون اصلی هدایتگری، بازآفرینی کرده‌اند که در جدول شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود. تأمل در این شئون، زمینه‌ای برای رسیدن انسان به هدف نهایی آفرینش خود، یعنی نورانی شدن با خروج از ظلمات به سوی نور (احزاب: ۴۳؛ ابراهیم: ۱). خواهد بود، زیرا براساس زیارت جامعه کبیره، تمام وجود امام هرزمانی، نور است از خلقت او تا کلام و رفتار او؛ و چنین نور فراگیری است که افراد را از ظلمات سردرگمی نجات می‌دهد، البته به شرطی که به سراغ آن نور بروند و آن را فرا روی خود قرار دهند و نه از آن جلو بیفتند و نه عقب؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین ع فرموده‌اند: «به اهل بیت پیامبران بنگرید از آن سو که گام برمی‌دارند، بروید. قدم به جای قدم‌شان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام کنید از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید (مجلسی، بی تا: ج ۳۴، ۸۲).

رویکردهای مختلف استعاری نور در روایات تفسیری قرآن، از همین روست که مردم امام را مهجور نگذاشته و با شناخت ملموس امام از او اطاعت کنند تا نور رستگاری زندگی دنیوی و اخروی هدایت‌پذیران را روشن سازد و چه در زمان غیبت و چه ظهور امام، با اتصال به این نور، خود را با سیره و دستورات حضرت منطبق می‌کند و به سوی مقصد حقیقی پیش روند. این همه، جلوه‌ای زیبا از هدایت بخشی مستمر امام است.

حوزه مبدأ	حوزه مقصد	کانون استعاره
۱	نور	حضرت مهدی
۲	نهار	حضرت مهدی ظهور
۳	شمس	حضرت مهدی
۴	قمر	حضرت مهدی
۵	برج	حضرت مهدی
۶	نجم	حضرت مهدی
۷	کوکب دری	حضرت مهدی
۸	شهاب ثاقب	حضرت مهدی ظهور

جدول ۱: نگاشت‌ها در استعاره مفهومی برای ویژگی راهنما و هادی بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱ش)، *معانی الأخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا عجل الله تعالی فرجه الشریف*، تهران: نشر جهان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۵. ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی (بی تا)، *المناقب آل ابی طالب عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: المطبعة العلمیه.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم المقاییس اللغة*، قم: مکتب العالم الاسلامی.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی.
۸. انصاریان، حسین (بی تا)، *تفسیر حکیم*، قم: دارالعرفان.
۹. بحرانی، هاشم (۱۳۷۸ش)، *الإنصاف فی النص علی الأئمة عجل الله تعالی فرجه الشریف*، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوم.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۱. تجری گلستانی، ابوالقاسم (۱۳۸۱ش)، «هدایت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، *مجله انتظار موعود*، ش ۵.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *ادب فنای مقربان*، قم: اسراء، پنجم.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود*، قم: اسراء، ششم.
۱۴. حسینی استرآبادی، شرف الدین علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهرة*، تحقیق: حسین استادولی، قم: جامعه مدرسین.
۱۵. خاتمی، احمد (۱۳۸۶ش)، «امامان نور و صراط مستقیم»، *مجله پاسدار اسلام*، ش ۳۰۸.
۱۶. خزاز، ابوالقاسم علی (بی تا)، *کفایة الأئمة فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه کمره‌ای، بی جا: بیدار.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
۱۸. راوندی، قطب (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۹. صفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا)، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، تعلیق و تصحیح: محسن کوچه باغی، تهران: منشورات الاعلمی.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین، پنجم.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو، سوم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، سوم.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *کتاب التفسیر*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
۲۴. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت، دوم.
۲۶. قائمی نیا، علیرضا و دیگران (۱۳۹۳ش)، *زبان استعاره‌های مفهومی* «استعاره‌های مفهومی در آیات قرآن»، تهران: هرمس، دوم.
۲۷. قائمی نیا، علیرضا (۱۴۰۰ش)، *معناشناسی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوم.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم.
۲۹. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامی، ششم.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتب، سوم.
۳۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران: اسلامیه، دوم.
۳۳. مجلسی، محمد باقر؛ اعلمی، علاء الدین (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بی تا)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تحقیق: محمد باقر محمودی و عبد الزهراء علوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

۳۸. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۱۴ق)، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، بی‌جا: بدر، دوم.
۳۹. نصرتی، شعبان؛ رکعی، محمد (۱۳۹۹ش)، معناشناسی شناختی در کاربرد متون وحیانی، قم: معارف اهل بیت.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی، تهران: صدوق.
۴۱. نوروزی، رضا (۱۳۹۳ش)، «نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور»، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۸.
۴۲. نهاوندی، علی‌اکبر؛ احمدی قمی، حسین؛ برزگر، صادق (۱۳۸۶ش)، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، قم: مسجد مقدس جمکران.
43. Lakoff George. Jahnson Mark. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London:
44. University of Chicago Press.